



وقتی جلادان می خواهند ناجی ملت شوند!

انتشار بیانیه شماره ۱۱ موسوی که در تبلیغات فریبکارانه "اصلاح طلبان" از آن به مثابه " راهکارهای ۹ گانه موسوی برای برون رفت از بحران" و با به قول خود او "چه باید کرد؟" یاد شده بار دیگر ماهیت ضد انقلابی پروژه ای را به نمایش گذارد که از سوی برخی جناحهای ارتجاعی طبقه حاکم و قدرتهای امپریالیستی حامی آنها برای منحرف و خفه کردن موج سهمگین مبارزات فهرمانانه ضد رژیم توده ها طراحی و به مورد اجرا گذارده شده است.

این بیانیه که بموازات تداوم سرکوب خونین و بلاوقفه جنبش توده های بیباخته توسط حکومت، از سوی اصلاح طلبان حکومتی منتشر شده نه تنها ماهیت موسوی و برنامه هایش را به نمایش گذارده، بلکه بسیاری از سازشکارترین عناصر و نیروها را که با فعالیت در جبهه او و باصطلاح جنبش سبز، همگام با دستگاه های تبلیغاتی ارتجاع ضمن چپ ستیزی و عناد با نیروهای رادیکال جنبش کوشیده اند با پوشاندن ردای "رهبری جنبش" به قامت پوسیده او و دارو دسته اش توده ها را به پیروی از "جنبش سبز" و اصلاحات گام به گام تشویق کرده (و در این راه از "معجزات" موسوی و دار و دسته اش دم می زدند) را هم ناامید کرده است.

در این بیانیه موسوی حتی از شعار رفرمیستی و آبکی "ابطال انتخابات" که قبلا آن را برای همگامی با حداقل خواست های توده ها و متوقف کردن سیر پیشروی تظاهرات خرداد ماه مردم سر داده بود نیز دست می کشد؛ او در این بیانیه قسم می خورد که دلیسته "اسلام" است و به این خاطر "از نماد «سبز» استفاده کرده" تا "پرچم دلیستگی نسبت به اسلام" را "بلند" کند. او تاکید می کند که طرفدار اعمال "خشونت" (البته از سوی توده هایی که هر روزه در معرض وحشیانه ترین خشونت سیستماتیک حکومت می باشند) نیست و قسم می خورد که هدف فعالیتهايش "بهره گیری از ظرفیتهای مردمی نظام جمهوری اسلامی" (این نظام استثمارگرانه سراپا کندیده و ارتجاعی ضد مردمی و فاقد هر گونه ظرفیت مردمی) است. او در این بیانیه "امتناع" از "هر اقدام تندروانه و خشن" را تبلیغ کرده و در کل مردم کرسنه و بیجان آمده را برای تحقق خواستهایشان که سرنگونی جمهوری اسلامی اساس آن است به "فعالیت های مدنی" (که در شرایط دیکتاتوری عنان گسیخته در جامعه تحت سلطه ما اسم رمزی "متمدانان" از سوی مرتجعین برای تقیح اقدامات مستقیم و رادیکال توده های کرسنه و سرکوب شده برای نجات از شرایط جهنمی که در آن زندگی می کنند می تشویق می کند. در این بیانیه او تصریح می کند که همه نباید "راه سبز" را پیش گیرند و بیکار نکند خوش خیالان به سرشان بزند و در این توهم باشند که موسوی و دارو دسته اش برای باصطلاح "رهبری" و "هدایت" توده ها در صدد حتی ایجاد یک "حزب" و تشکیلات " هستند! و ...

در یک کلام موسوی و دار و دسته اصلاح طلبان حکومتی در این بیانیه و در شرایطی که دستگاه سرکوب با کشتن و

امپریالیستها و خیزش توده ای اخیر!

یکی از زوایای جنبش توده ای اخیر که در ماه های اخیر و در بحبوحه این جنبش کمتر به آن پرداخته شده است موضع امپریالیستهای باصطلاح مدافع دموکراسی و حقوق بشر در قبال مبارزات توده ها و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بوده است. همانگونه که می دانیم با انفجار خشم توده های میلیونی که در اعتراض به نتایج انتخابات قلابی خرداد ماه بروز یافت، جهان شاهد یکی ارز برجسته ترین و وسیعترین اعتراضات توده ای ۲۰ سال اخیر بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نظام ضد خلقی حاکم بر ایران باخواست آزادی و دموکراسی بود. ابعاد این جنبش نه تنها زمین را در زیر پای مقامات جمهوری اسلامی لرزاند و به امید زیادی در دل تمامی مردم آزادیخواه و آگاه جهان دامن زد، بلکه در ابتدا هراس آشکاری را در میان قدرتهای امپریالیستی ذینفع در ایران و منطقه در مورد عواقب و ظرفیت انقلابی این جنبش برای نظام سرمایه داری حاکم بر ایران و منافع آنها برانگیخت. درست بدلیل همین هراس بود که اظهار نظرهای مقامات آمریکایی، بریتانیایی، فرانسوی و روسی و سایر همپالگی هایشان در مقابل حوادث عظیمی که در ایران و در جریان مبارزه خونین توده های تظاهر کننده با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بوقوع می پیوست از حد واکنشهای فریبکارانه و دیپلماتیک فراتر نرفت.

امپریالیسم آمریکا که در طول ۲۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی همیشه خود را مخالف این رژیم "دیکتاتور" و عاشق سینه چاک "دموکراسی" در ایران جا زده پس از فشار های زیاد مطبوعات و افکار عمومی برای موضع گیری، سرانجام در تاریخ دوشنبه ۲۲ ژوئن با بیشرمی تمام از "فقدان عدالتی" که تظاهر کنندگان در ایران "تجربه" می کنند ابراز "تاسف" کرد و سخنگوی کاخ سفید در این کشور گفت "باراک اوباما رییس جمهوری آمریکا از دیدن صحنه های جسارت تظاهر کنندگان ایرانی به خصوص زنان "تحت تاثیر" قرار گرفته است."

امپریالیستهای اروپایی نیز با انتشار بیانیه ای به امضای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، در همین چارچوب "نگرانی عمیق" خود از ادامه "خشونت های بی رحمانه علیه تظاهر کنندگان که باعث تلفات شده، است" را اعلام کردند و از جمهوری اسلامی خواستند تا از "بازداشت های جمعی خودسرانه خودداری کند" آنها همچنین "محدودیت های اعمال شده" علیه رسانه ها و خبرنگاران را "محموم" کردند. دولت ژاپن نیز به گزارش خبرگزاری کیودو، نسبت به "درگیری های مرکبار میان تظاهر کنندگان و پلیس" عمیقا "ابراز نگرانی" کرد. و روسیه نیز به عنوان اولین دولتی که شتابزده به احمدی نژاد مزدور تبریک گفت، خواستار آن شد که "اختلاف هایی که پس از انتخابات بروز کرده باید در پیروی دقیق از قانون اساسی و قوانین این کشور حل شود." و بالاخره دبیرکل سازمان ملل بان کی مون در بیانیه ای گفت "وضعیت در ایران موجب نگرانی جامعه بین المللی است" و خواستار "توقف فوری بازداشت ها، تهدیدها و استفاده از زور شد."

دورانهای ضعف و بحران و یا رشد جنبش توده ها، این "دست غیبی" قدرتهای امپریالیستی بوده که مستقیم و غیر مستقیم به کمک این رژیم آمده و شرایط تداوم حکومت ضد خلقی آن را برای یک دوره دیگر فراهم نموده است.

آن چه که ما در جریان انتخابات قلابی ریاست جمهوری در ایران و خیزش بزرگ ضد رژیم توده ها شاهد بودیم نمونه چنین واقعیتی را به نمایش گذارد. در شرایطی که جنبش اعتراضی میلیونی مردم به پا خاسته پس از انتخابات قلابی در وسیع ترین سطح با خواست اساسی سرنگونی این رژیم به میدان آمد اما امپریالیستها نه تنها برخلاف اشک نمساح ریختنهای همیشگی برای مردم و وعده "حمایت" از "جنبش آزادیخواهان" آنها بدلیل منافع استراتژیک خویش در حفظ نظام سرمایه داری وابسته در ایران کوچکترین وقعی به ندای آزادیخواهان توده ها نگذاشتند بلکه در عمل تا آنجا که توانستند در جهت تحکیم این رژیم ضد خلقی بر علیه جنبش توده ها حرکت کردند و از آن مهمتر سر انجام دولت منفور احمدی نژاد که تأیید شده رهبر جانی جمهوری اسلامی بود را به "رسمیت" شناختند. واقعیتی که نشان می دهد چگونه منافع رژیم تا مغز استخوان وابسته جمهوری اسلامی با منافع امپریالیستها در ایران و منطقه گره خورده و تا زمانی که این منافع به قوت خود باقی ست اربابان جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی برای حفظ و تداوم سلطه این رژیم بر جان و مال کارگران و زحمتکشان ما خودداری نخواهند کرد.

رویدادهای اخیر و مواضع امپریالیستها در قبال جنبش آزادیخواهان توده های تحت ستم بر یک درس اساسی انقلاب ایران مهر تأیید می زند و آن اینکه توده های آگاه و مبارز ما در مبارزات رهایی بخش خود نه تنها به هیچ رو نباید فریب تبلیغات امپریالیست ها را خورده و کوچکترین چشمداشتی به "حمایت" آنها داشته باشند بلکه برعکس همواره باید جهت اصلی حرکاتشان را به سوی دشمن اصلی یعنی نظام استثمارگرانه سرمایه داری و سلطه امپریالیسم بگیرند. نظامی که اگر بدست توده های انقلابی در هم نشکند می تواند حتی در جریان شدیدترین مبارزات توده ها خود را در قالب رژیم جدید ضد مردمی بازتولید کرده و شرایط ظالمانه حاکم بر زندگی آنها را تداوم بخشد. بدون شک نابودی جمهوری اسلامی و همه جناحهای ارتجاعیش یک گام لازم و اساسی در پیمودن چنین راه طولانی و دشواری ست.

البته مقامات و دولتهای فوق حتی در سطح این واکنشهای دیپلماتیک فریبکارانه که در عمل پیامی جز چراغ سبز به مقامات جمهوری اسلامی برای سرکوب شدید و وحشیانه تر اعتراضات توده ای نداشت، نیز متوقف نشدند و چند روز بعد نیز اکثراً با ارسال نماینده به مراسم تحلیف احمدی نژاد مزدور که بر روی خون توده های جان باخته در اعتراضات مردمی ریاست جمهوری خود را جشن می گرفت، مواضع واقعی خویش را به عینه به نمایش گذاردند. و بالاخره در آخرین پرده نمایش فریبکاری و مردم ستیزی امپریالیسم آمریکا وزیر خارجه این کشور هیلاری کلینتون در ۱۵ مرداد ماه از موضع واقعی و نه ادعایی آمریکا پرده برداشت و در شرایطی که روزنامه های این کشور خبر از "نامه" نگاریهای پنهانی دولت اوپاما با رهبر جنایتکار جمهوری اسلامی در پیش و پس از "انتخابات" می دادند با وقاحت تمام تأکید کرد که دولت آمریکا "رئیس جمهور شدن محمود احمدی نژاد را به عنوان یک "واقعیت" می پذیرد". امری که نشان می داد، تبلیغات فریبکارانه آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی و یا در "دفاع" از خواستها و ارزشهای دمکراتیک مورد نظر توده های تحت ستم ایران تا چه حد "واقعیت" داشته و دارد. و منافع واقعی امپریالیسم آمریکا در کجا قرار گرفته است.

همانگونه که می دانیم امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا در طول ۳۰ سال حاکمیت این رژیم (رژیمی که روی کار آمدنش اساساً در جریان توافقات امپریالیستی در بین قدرتهای جهانخوار در کنفرانس گوادولوپ امکان پذیر شد) همواره در تبلیغات خود رژیم جمهوری اسلامی را یک رژیم دیکتاتوری "نامطلوب"، "شور" ، "تروریست"، "یاغی" و... نامیده اند که ناقض آشکار "حقوق بشر" و "دمکراسی" بوده و ادعا کرده اند که در تمام این مدت در جهت مبارزه با این رژیم و برچیدن بساط آن در منطقه برای برقراری آزادی و دمکراسی برای مردم ایران بوده اند. تا جایی که در ادامه این تبلیغات و به موازات سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا در دوره بوش، در بین برخی محافل امپریالیستی حتی صحبت از حمله نظامی به ایران مطرح شد. البته برغم تمامی این ادعاها تجربه عملی زندگی توده های تحت ستم ما در طول ۳۰ سال گذشته نشان داده که از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت خود از هیچ خدمتگذاری ای برای برآوردن منافع قدرتهای فوق در ایران و منطقه کوناهای نکرده، در عمل، همیشه رژیم جمهوری اسلامی چه از کانال ندهای "غیبی" و چه کانالهای قابل رویت از حمایت و همراهی امپریالیستها برخوردار بوده و بویژه در

افزایش بی سابقه درآمدهای نفتی دولت

درآمدهای نفتی رژیم جمهوری اسلامی در ۴ سال گذشته ۲۵۶ میلیارد دلار بوده است. این خبر را وزارت نفت رژیم اعلام کرده است. تشدید درآمدهای بیکران نفتی در ۴ سال دوره زمامداری دولت احمدی نژاد مزدور در شرایطی ست که در پناه غارتگریهای بی حد و حصر طبقه حاکم در طول همین مدت سطح زندگی اکثریت آحاد جامعه بشدت سقوط و میزان فقر و گرانی و بیکاری و سایر بیماریهای مرگبار اجتماعی در حد چشمگیری در سراسر جامعه ما رشد کرده است.

از سوی دیگر سران مزدور رژیم جمهوری اسلامی بجای استفاده از این درآمد کلان برای رشد اقتصادی و تأمین هر چه بیشتر رفاه توده ها مطابق سیاستهای امپریالیستی اربابان جهانی خود همچون ۳۰ سال گذشته بخش عظیم این درآمد ها را صرف توسعه ماشین سرکوب، واردات بی رویه کالاهای مصرفی و بنجل امپریالیستی و ریخت و پاشها و دزدیهای کلان خود (که تنها یک نمونه از آن "گم شدن" ده ها میلیارد دلار در حساب بودجه دولت احمدی نژاد است) کرده اند و به این ترتیب از راه های مستقیم و غیر مستقیم درآمدهای بیکران نفتی دوباره به جیب کمپانی ها و دول امپریالیستی و سرمایه داران وابسته به آنان سرازیر شده است. اخبار رشد وسیع درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی در ۴ سال گذشته در حالی انتشار می یابد که دولت جنایت پیشه و فریبکار احمدی نژاد در سالهای گذشته وعده میداد که می خواهد "پول نفت" را به سر "سفره" مردم بیاورد. اما در طول ۴ سال گذشته پولی به سر سفره کارگران و زحمتکشان نیامد؛ برعکس در طول این چهارسال کمر توده های تحت ستم هر چه بیشتر در زیر بار معضلات اقتصادی خم شد. بطوری که بطور مثال صد ها هزار تن از کارگران زحمتکش موسسات و واحد های تولیدی به همراه خانواده هایشان در سراسر کشور نه تنها خیری از منابع مالی ای که در حقیقت به آنها تعلق دارد نبرده اند بلکه با عدم دریافت ماه ها حقوق بخور و نمیر خود از سرمایه داران زالو صفت و کارفرمایان با فقر و گرسنگی و نابودی دست و پنجه نرم می کنند.



فقر و بیکاری و گرانی، دیکتاتوری و بی حقوقی و ظلم و ستم و سرکوب و شکنجه و سیستم و رژیم ضد خلقی بانی و عامل آن تبدیل کرده اند. در چنین شرایطی یعنی تداوم جنبش توده ای و نشانه های امکان رشد و پیشروی آن است که تضادهای درونی بین جناحهای ارتجاعی تشکیل دهنده جمهوری اسلامی نیز لاجرم هر چه بیشتر رشد کرده و استثمارگران حاکم برای کسب اهرمهای قدرت به منظور حفظ کلیت نظام حاکم و چگونگی سرکوب توده ها هر چه بیشتر به جان یکدیگر افتاده اند. و در ارتباط با مسئولیت و عواقب اعتراض توده ها و گذار آن به مرحله "ساختارشکنانه" به یکدیگر هشدار داده و یکدیگر را تهدید می کنند. بیانیه شماره ۱۱ موسوی در چنین اوضاع و احوالی انتشار می یابد.

اما برغم تلاشهای شبانه روزی مرتجعین و سازشکاران برای تحمیل و قالب کردن "رهبری" دار و دسته موسوی بر جنبش اعتراضی توده ها، بیانیه اخیر موسوی و پیام آن یکبار دیگر و بروشنی نشان می دهد که در مبارزه برای نیل به آزادی و دمکراسی مردم ما نباید فریب تضادهای درونی جناح های حاکم را خورده و نسبت به ماهیت و مقاصد هیچ یک از آنان حتی برای لحظه ای هم دچار توهم شوند. چرا که تجربه ۲۰ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نشان داده که هدف و مأموریت همه بالاییها از "محافظه کاران" گرفته تا باصطلاح اصلاح طلبان جدا از هر اختلافی هم که این ها با همدیگر داشته باشند نهایتاً حفظ نظام سرمایه داری حاکم یعنی نظامی است که عامل اصلی تمامی بدبختی ها و ادبار و نابسامانیها در جامعه تحت سلطه ما است. با توجه به این تجربه عینی زندگی است که مردم ما به هیچ وجه نباید ماهیت تضادهای جاری در بین هیات حاکمه جمهوری اسلامی را فراموش کنند. چرا که آنها نمی خواهند در مبارزاتشان برای رسیدن به آزادی و خواستههای دیگر خویش، تنها جای عده ای از چپاولگران و جلادان را با عده دیگری از استثمارگران و سرکوب کنندگان عوض کنند. در عوض مردم باید با هشیاری تمام از این شکافها برای تسریع در هم شکستن سد دیکتاتوری حاکم و برانداختن نظام حاکم استفاده کنند و هرچه بیشتر هم استفاده کنند اما این هدف نیز تنها و تنها با تشدید مبارزات توده ای، تلاش برای تمرکز بروی تقویت و رشد جنبش مستقل توده ها، تشکل هر چه بیشتر آن در زیر شعارها و یک برنامه و رهبری انقلابی امکان پذیر است.

بیانیه موسوی نه پاسخی به "چه باید کرد" توده ها بلکه انعکاس اوضاع بحرانی ای می باشد که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در مقابله با یک غول عظیم یعنی جنبش توده ها که دوباره سربرآورده و در صورت تشکل و برخورداری از یک رهبری انقلابی ممکن است بساط این حکومت را برای همیشه از جامعه تحت سلطه ما برکند، مواجه شده است. همین واقعیت است که حتی اصلاح طلبان حکومتی را (که بقول خود بجز حفظ "اسلام" و "نظام جمهوری اسلامی" نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر" هدفی ندارند) به تکاپو انداخته تا با حمایت های بی دریغ مستقیم و غیر مستقیم قدرتهای امپریالیستی این دشمنان اصلی و قسم خورده کارگران خلفهای تحت ستم ما بکشند تا برای مردم تشنه آزادی و دمکراسی برای جوانان شجاع و آگاهی که در مقابل گلوله های دشمن سینه سپر کرده اند باصطلاح مانیفست های فلابی و فریبکارانه صادر کنند تا به این طریق جنبش توده های بجان آمده را از مسیر اصلی برای رهایی و آزادی منحرف سازند.

شکنجه و تجاوز و ارتکاب سبعمانه ترین جنایات در صد خفه کردن صدای توده هاست همچنان به تلاشهای ضد انقلابی شان به منظور متوقف کردن جنبش توده ای از مسیر پیشروی طبیعی اش به سمت شعارها و اقدامات هر چه رادیکالتر و انقلابی بر علیه دشمنان قسم خورده توده ها باز می دارد. باصطلاح راه کارهای ۹ ماده ای اشاره شده در خاتمه بیانیه موسوی نیز، بجز مساله "تشکیل گروه های حقیقت یاب" مورد قبول گروه های "ذی نفع" در انتخابات اخیر کلا معطوف به "اعمال" و "اجرای" اصول "قانون اساسی" ضد خلقی جمهوری اسلامی است. قانونی که به شیوه ای ضد دمکراتیک و تماما بر علیه خواستها و منافع اکثریت مطلق توده های تحت ستم جامعه در سالهای اول حکومت جمهوری اسلامی توسط زمامداران این رژیم تصویب شد و با تحمیل اصل ضد خلقی "ولایت فقیه" به مثابه پایه این قانون در واقع مظهر پایمال کردن بدیهی ترین حقوق کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان و خلقهای تحت ستم در ۲ دهه گذشته بوده است.

در یک کلام بیانیه موسوی و همپالگی هایش نشان می دهد که آنها چگونه در تلاش برای جلوگیری از ارتقاء سطح جنبش مردمی و روی آوردی مردم به جان آمده به اقداماتی هستند که ممکن است کل نظام استثمارگرانه حاکم (که او خود بخشی از آن است) را بخاطر بیندازد.

این "بیانیه" در شرایطی منتشر می شود که فریب به ۲ ماه از انفجار خشم توده های مردم بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که در فضای ناشی از اعتراض به نتایج انتخابات فلابی ریاست جمهوری فرصت فوران یافت می گذرد. در طول این مدت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که به دنبال "اخطارها" و دستور مستقیم "ولی فقیه" - یعنی راس دیکتاتوری حاکم - با بستن شمشیر از رو کمر به قلع و قمع توده های معترض بسته است، از اعمال هیچ جنایتی برای سرکوب و ترساندن توده ها و بویژه نسل جوان شورشی و خفه کردن موج مبارزات حق طلبانه آنها خودداری نکرده است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی دیوانه وار و با نمایش سبعمانی کم سابقه بمنظور قلع و قمع توده های به پاخاسته با گشودن آتش به سوی تظاهرکنندگان بی دفاع ده ها نفر را کشته و صد ها تن را زخمی کرده، در شرایطی که دستگاه سرکوب این رژیم در طول این مدت هزاران نفر را دستگیر و مورد شکنجه های وحشتناک و از جمله تجاوزات دستجمعی شنیع در سياهچالهای خود قرار داده، در شرایطی که این رژیم ضد خلقی با کمک دستگاه های تبلیغاتی اش بمنظور مقهور کردن جامعه به سازمان دادن "شوهای تلویزیونی" زیر نام "محاکمه عاملان اغتشاش" دست زده و از همه مهمتر در شرایطی که دیکتاتوری پوسیده حاکم برای ترساندن و مقهور کردن مردم به پاخاسته و بویژه زنان و جوانان مبارز به نمایش ارباب آور جنایات خود هنگام کشتار و شکنجه و تجاوز و سوزاندن جسد قربانیان خویش در جامعه پرداخته، اما هنوز موفق به منکوب کردن و خفه کردن صدای اعتراض مردم مبارز ما نشده است. برغم همه این جنایات که با شدت تمام ادامه دارند، توده های به پاخاسته و دلیر از هر فرصتی برای بلند کردن صدای خود و سردادن شعارهایی از "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "مرگ بر دیکتاتور"، "موسوی بهانه ست کل رژیم نشانه ست" گرفته تا "توپ تانک شکنجه دیگر اثر ندارد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی، استقلال، جمهوری ایرانی"، "مرگ بر دیکتاتور، چه شاه باشه چه دکتر"، "من رای نداده ام که رایم را پس بگیرم، من برای پس گرفتن میهنم آمده ام" و ... استفاده کرده و هرگونه تجمعی را به فرصتی برای نمایش خشم و اعلام تنفرشان نسبت به ۲۰ سال

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!



نقش شکنجه و تجاوز در استعمار دیکتاتوری

از زبان زندانیان سیاسی سابق
شهاب شکوهی و محمد فسی
پریش و پاسبخ

اشعار مبارزاتی

حسن جمالی

ترانه سرودهای مردمی

ناهید نمویی

و برنامه های هنری دیگر

زمان:

ساعت ۶ تا ۱۱ بعد از ظهر

روز شنبه ۲ اکتبر ۲۰۰۹

مکان:

Islington Central Library
2 Fieldway Crescent,
London, N5 1PF

نزدیکترین ایستگاه قطار:

Holloway Road (Piccadilly Line)

سازمان دموکراتیک ضد امپریالیستی ایران در انگلستان
فعالین چریکهای فدایی خلق در لندن

فکاد و ارفکاد، به ترویج می رسند

ورود رایگان



بمناسبت بیست و یکمین سالگرد کتل عام هزاران زندانی سیاسی طهران در تابستان ۶۷ و در همسنگی با خیزش قهرمانانه اخیر کرده های به پانزده خلب رژیم جمهوری اسلامی، با تمسک، جفا های ارتجاعی، اذیت بیگانه می شود

موج جدید عقد قراردادهای نفتی با امپریالیستها

در شرایطی که ماشین سرکوب رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به وحشیانه ترین وجهی مشغول سرکوب جنبش آزادیخواهانه توده های تحت ستم ماست، دولت احمدی نژاد در حال حراج نفت و گاز مملکت در چارچوب عقد قراردادهای اسارتبار و غارتگرانه با کمپانیهای امپریالیستی ست. به گزارش خبرگزاری "مهر" رژیم، در تاریخ ۶ شهریور مذاکرات جدیدی با ۳۰ شرکت از ۹ کشور اروپایی در جریان است و کمپانی ها و کنسرسیوم های بزرگ نفتی نظیر توتال، اسنات اویل، اکسنز، آرنی فرانسه، گازپروم روسیه، ادیسون اینترنشنال و ... موفق به عقد قراردادهایی با رژیم جمهوری اسلامی در زمینه بهره برداری از میادین نفت و گاز کشور شده اند. این قرارداد ها در حالی از سوی شرکت های غربی با جمهوری اسلامی امضا می شود که دولتهای آمریکا و اروپایی ظاهرا با ادعای دفاع از دموکراسی و حقوق بشر در ایران به محکوم کردن لفظی شدید "سرکوب" توده های بیجان آمده توسط دولت احمدی نژاد پرداخته و در برخی مواقع هم اعلام کرده اند که در صورت "تداوم" سرکوب تظاهر کنندگان، "تحریمهای" شدیدتری بر علیه جمهوری اسلامی اعمال خواهند کرد. اما موج جدید مذاکرات و عقد قراردادهای نفتی با جمهوری اسلامی توسط شرکت های غربی نشان می دهد که "تهدیدات" اخیر و ادعاهای دفاع از "دموکراسی" و "حقوق بشر" دولتهای امپریالیستی و مخالفتشان با "دیکتاتوری" در ایران از چه فمانشی ست و آنچه که در ایران (و سایر کشورها) برای امپریالیستها مطرح است منافع اقتصادی و سیاسی آنها و نه حقوق توده های تحت ستم این کشورهاست؛ و تا زمانی که این منافع توسط رژیمهای وابسته به امپریالیسم برآورده شود، آنها نه تنها کمترین اهمیتی برای جان و مال و حقوق کارگران و خلقهای تحت ستم کشورهای وابسته فایده نیستند بلکه برای حفاظت از منافع خود هر حمایت لازمی را برای تداوم حیات ننگین رژیمهای وابسته و ضد خلقی نظیر جمهوری اسلامی انجام می دهند.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehqhani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

